



سیاستگذاری منطقه‌ای در جهانی در حال دگرگونی

نویسندگان: نایلز هسنس، بنجامین هیگنیز، داندل ساوی

مترجم: گروه مترجمان زیر نظر دکتر پرویز اجلائی (تهیه شده در دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای

ناشر: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات (تهران)، ۳۹۱ صفحه

حبیبه قانع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصل اول: مقدمه

اغلب دربرگیرنده‌ی دو هدف متضاد رفاه مردم و رفاه مکان‌هاست. در بخش داعیه‌های اصلی، این موضوع مطرح می‌شود که سیاستگذاری منطقه‌ای از یکسو بازتابی است از آنچه در برهه‌ی خاصی از زمان در جامعه و اقتصاد ملی می‌گذرد و از سوی دیگر انعکاسی است از فلسفه‌ی اقتصادی و اجتماعی غالب آن دوره و این دو عامل در تعامل با یکدیگرند.

در بخش کارزار فرهنگ‌ها، به بررسی نوسان‌هایی می‌پردازد که در آونگ ایدئولوژیک قابل مشاهده است و تغییراتی که در سیاستگذاری منطقه‌ای واقع می‌شود، به این نوسان‌ها مربوط است.

در بخش پایانی این مسئله عنوان می‌شود که مطالعه‌ی مقایسه‌ای سیاست‌های عمومی معمولاً مجموعه‌ای است از مقالات پیش‌تر منتشر شده یا پژوهش‌نامه‌های ارائه شده در همایش‌های مختلف.

کشورهایی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارتند از کشورهای بزرگ صنعتی و سرشار از منابعی که از اسکان‌گزینی جمعیت

توسعه‌ی اقتصادی: بعد منطقه‌ای - به استثنای موضوع اختلاف قیمت ناشی از انحصار مکانی، همه‌ی مباحث مبانی اقتصاد خرد اساساً در جهانی بدون فضا که در آن عدم تعادل‌ها به تعادل تبدیل می‌شوند، مطرح می‌گردد.

در این کتاب از روش‌های مقایسه‌ای برای آگاهی یافتن از نظم‌های تجربی قابل مشاهده در اقتصاد منطقه‌ای کشورهای مختلف استفاده شده است.

نویسنده در بخش اهداف سیاستگذاری منطقه‌ای، توضیح می‌دهد که این سیاست‌ها نوعاً یکی از اهداف زیر را دنبال می‌کنند: کاستن از شکاف میان مناطق، توزیع مجدد یا تغییر الگوی رشد جمعیت و فعالیت اقتصادی در فضا، توسعه‌ی مناطق مرز منابع، ارتقای تخصص منابع از طریق کاهش بیکاری و اشتغال با بهره‌وری پایین و بالاخره از راه گسترش کارفرمایی و بخش‌های با رشد نسبتاً سریع؛ توسعه‌ی منطقه‌ای

دولت فدرال بررسی می‌شود. تعهد مالرونی و اعطای مجوز DIRE را برای ارتقا بخشیدن به عقب‌مانده‌ترین مناطق مورد بحث قرار می‌دهد و در سال ۱۹۸۶ که دولت به این نتیجه رسید که سازگاریش با طرح‌های DIRE به تنهایی کافی نخواهد بود، به راه‌حل مالرونی و تأسیس سازمان‌های توسعه‌ی منطقه‌ای اشاره می‌شود.

فصل سوم: دگرگونی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در فرانسه پس از جنگ ترجمه‌ی محمد دانشور

در بخش اول فصل درباره‌ی سال‌های نخستین پس از جنگ و تلاش‌های فرانسه در مورد برنامه‌ریزی جامع توسعه‌ی منطقه‌ای «آمایش سرزمین» و تفاوت پاریس با دیگر استان‌ها بحث می‌کند. سپس هیأت آمایش سرزمین و طرح‌های منطقه‌ای (داتار) برای به وجود آوردن انسجام فضایی بیشتر برای برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای در سطح ملی بررسی می‌کند. برنامه‌ی پنجم نشان‌دهنده‌ی موفقیت عمده از لحاظ الحاق اهداف منطقه‌ای به فرآیند برنامه‌ریزی ملی است و برنامه‌ی ششم نیز با تأکید مبنی بر سیاست‌های بخشی در مقایسه با مسائل منطقه را تحلیل می‌کند. سپس دوران طلایی سیاست توسعه‌ی منطقه‌ای فرانسه را که دوران دهه‌ی اول پس از ایجاد هیأت آمایش در سال ۱۹۶۳ بود، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بخش بعدی برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای و بحران است که با آغاز سال ۱۹۷۴ موضوع‌ها و سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای فرانسه در نتیجه‌ی یک رشته مشکلات ملی و بین‌المللی که فرانسویان به طور کلی آنها را تحت عنوان «بحران» می‌شناسند، تغییر بنیادی پیدا کرد. برنامه‌ی هفتم، آخرین برنامه‌ای بود که قبل از به قدرت رسیدن سوسیالیست‌ها در سال ۱۹۸۱ به اجرا درآمد. برنامه‌ی هشتمی نیز برای دوره‌ی ۸۵ - ۱۹۸۱ پیش‌بینی شده بود، اما سوسیالیست‌ها آن را به نفع برنامه‌های دیگر کنار گذاشتند. در بخش داتار در موضع دفاعی به انتقادات فزاینده‌ای از هیأت آمایش سرزمین و اقدام منطقه‌ای (داتار) و کل فرآیند برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای می‌پردازد.

در بخش جهت‌گیری‌های جدید در اقتصاد منطقه‌ای فرانسه، ابتدا ماهیت و اهمیت برخی پدیده‌های پویای جمعیتی و اقتصادی را که باعث پیدایش تجدیدنظرهای بنیادی در عقل متعارف شده‌اند، مورد توجه

در آنها دیری نمی‌گذرد، (استرالیا، کانادا، ایالات متحده)، کشورهای تکامل یافته‌ی صنعتی اروپا (فرانسه، انگلستان) و نمونه‌ای از کشورهای اخیراً توسعه‌یافته‌ای که راه تهیه‌ی برنامه‌های ملی با یکپارچه کردن برنامه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای را برگزیده‌اند، (برزیل، مالزی، سریلانکا) همه‌ی کشورهای مورد مطالعه در دهه‌ی ۶۰ سیاست‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای بلندپروازانه‌ای را آغاز کردند، اما از آغاز دهه‌ی ۸۰ برنامه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای در کشورهای صنعتی متوقف و در کشورهای در حال توسعه تغییر شکل دادند.

در مورد هر کشور چهار سوال مطرح شده که مشکلاتی که در ابعاد منطقه‌ای طرح شده‌اند، واکنش سیاسی به این مشکلات، نظریه‌های اقتصادی و سیاسی که پشت سر این سیاست‌هاست و نتایج به دست آمده از آنها هستند.

فصل دوم: سیاست توسعه‌ی منطقه‌ای تجربه کانادا. ترجمه‌ی اصغر شرف جوادی، بهرام روحانیان

در ابتدای فصل به این نکته اشاره می‌شود که کانادا در دهه‌ی ۶۰ با اعلام مبارزه علیه نابرابری‌های منطقه‌ای، فقر و مجموعه‌ای از مشکلات مربوط به سیاستگذاری‌های بخش عمومی به دیگر کشورهای صنعتی غربی پیوست. این فصل تلاش‌های گذشته را مرور می‌کند. نیروهای مختلفی که سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای کانادا را شکل داده‌اند، را مورد بررسی قرار می‌دهد و به تلاش‌هایی که اخیراً اعلام شده است، نظر می‌افکند.

مشکل توسعه‌ی منطقه‌ای عمیقاً ریشه در جریان‌های اقتصادی و سیاسی کانادا دارد، ماهیت مرکز - پیرامونی ساختار اقتصادی کانادا به تفاوت‌های مهم در معیارهای زندگی و خصوصیات مختلف اقتصادی منطقه‌ای انجامیده است و نظام سیاسی کانادا به افزایش این تفاوت‌ها کمک کرده است.

در بخش بعدی به تعادل منطقه‌ای در سال‌های نخستین بعد از جنگ جهانی دوم اشاره می‌کند. پس از آن درباره‌ی میراث ترودو و تأکید او بر اهمیت توسعه‌ی منطقه‌ای برای وحدت ملی بحث می‌کند. سپس مروری بر میراث ترودو دارد و موفقیت او را ارزیابی می‌کند. در بخش بعدی پرداخت‌های انتقالی و به اجرا گذاشتن برنامه‌ی تعادل بخشی مالی

منطقه‌ای در ایالات متحده: یک بررسی انتقادی و درس‌های برای آینده ترجمه‌ی ابوالقاسم حسینیون

این فصل بررسی نقادانه‌ای است از تحول سیاستگذاری‌های توسعه‌ی منطقه‌ای دولت فدرال در ایالات متحده. در ابتدای فصل درباره‌ی سابقه‌ی تاریخی سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای فدرال بحث می‌کند. سپس شرایط کشور در دوران اوج سیاستگذاری منطقه‌ای (۱۹۷۱ - ۱۹۶۵) را بررسی می‌کند. درباره‌ی سازمان توسعه‌ی اقتصادی (EDR) و ویژگی آن بحث می‌کند. در بخش کمیسیون منطقه‌ای آپالچ، اقدامات دولت را پس از فاجعه‌ی اجتماعی و اقتصادی (تحت فشار انقلاب صنعتی) این منطقه بررسی می‌کند. سپس به بررسی کمیسیون توسعه‌ی منطقه‌ای بند ۵ می‌پردازد. سیاستگذاری توسعه‌ی منطقه‌ای از سال ۱۹۷۲ را بررسی می‌کند و در بخش پایانی فصل با عنوان چه درس‌هایی آموختیم؟ نظر اقتصاددانان کلاسیک و مواضع دیگری درباره‌ی سیاستگذاری منطقه‌ای را شرح می‌دهد.

فصل ششم: سیاست توسعه‌ی منطقه‌ای در استرالیا، ترجمه‌ی علیرضا محمدی باغ ملایی

محدوده‌های غیرقابل تغییر استرالیا را با ایالات متحده و کانادا مقایسه می‌کند. در فدرالیسم مالی: به بررسی سیاستگذاری‌های منطقه‌ای که بیشتر پیرامون روابط مالی دولت فدرال با ایالت‌هاست می‌پردازد. سپس به بررسی سیاستگذاری‌های منطقه‌ای که به منظور بهبودبخشی به توزیع جمعیت، منابع، فعالیت‌های اقتصادی و درآمد در فضا طراحی شده‌اند، می‌پردازد. دولت کارگری وتیلام (۱۹۷۵ - ۱۹۷۲) و موفقیت سیاست منطقه‌ای در دوران کوتاه‌مدت حکومت وتیلام را بررسی می‌کند. سپس دولت فریزر (۱۹۸۳ - ۱۹۷۶) را که منجر به تحولات شگرفی در ایدئولوژی و خط مشی حزب شد، مورد بررسی قرار می‌دهد. به کنکاشی در نابرابری‌های منطقه‌ای استرالیا می‌پردازد و درباره‌ی اقدامات دولت کارگری هاواک صحبت می‌کند. در پایان فصل کتاب «جهت‌ها»، استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای گیلانک را به عنوان مدلی از برنامه‌ی بلندمدت توسعه‌ی یک جامعه‌ی کوچک با اقتصاد منطقه‌ای کوچک اما پویا معرفی می‌کند.

فصل هفتم: یکپارچگی سیاستگذاری ملی و منطقه‌ای در مالزی، ترجمه‌ی محمد دانشور

در آغاز، کشور مالزی را به عنوان کشوری کمتر توسعه یافته و جهان سوم، دارای سیاستگذاری منطقه‌ای متفاوت می‌داند. شورش‌های ۱۹۶۹، را عامل تغییر سیاستگذاری‌های منطقه‌ای بیان می‌کند و تغییر کل نگرش نسبت به سیاستگذاری اجتماعی و اقتصادی ملی را بررسی می‌کند. سپس به بررسی چهار نوع تضادی که در پشت این شورش‌ها

قرار می‌دهد و سپس نوآوری‌های برنامه‌ی نهم در باب سیاستگذاری توسعه‌ی منطقه‌ای را بررسی می‌کند. مهاجرت بین منطقه‌ای را تحلیل می‌کند و توسعه‌ی برون‌زا را بررسی می‌کند. در بخش بعدی: پویایی محلی و دگرگونی فنی، به بررسی مسئله می‌پردازد که در فرانسه مانند هر جای دیگری، تقریباً همه‌ی مناطق در جستجوی راه‌حل‌هایی برای مسائل اقتصادی‌شان، اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای فعالیت‌های مربوط به تکنولوژی پیشرفته قائل بودند. در بخش دیگر با عنوان نقش بخش سوم، اساساً بخش سوم را به عنوان باقی مانده‌ای در نظر گرفته‌اند که علاوه بر توسعه‌ی صنعتی (عامل اصلی توسعه در نظریه‌ی رشد و نظریه‌ی پایه‌ی اقتصادی) رشد جمعیت را نیز دربر می‌گیرد و بنابراین نیاز به اقدامات سیاسی ندارد. در بخش بعدی خلاصه و سنتز وضع مناطق در دهه‌ی ۸۰ را توضیح می‌دهد. بخش بعدی قراردادهای ملی منطقه‌ای است که در برنامه‌ی نهم مورد توجه عمیق بود که بین دولت مرکزی و مناطق منعقد می‌گردید. سپس سیاستگذاری صنعتی را از سال ۱۹۸۱ بررسی می‌کند. در پروژه‌های قطب فنی (تکنوپول) سعی دارند انتقال تکنولوژی را تشویق کنند و مراکز تحقیقاتی، آموزش عالی و صنعت را از همدیگر بارور سازند و در پایان فصل به بررسی این مسئله می‌پردازد که «آیا برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای فرانسه به پایان کار خویش رسیده است؟»

فصل چهارم: تطور سیاستگذاری منطقه‌ای در انگلستان ترجمه‌ی ابوالقاسم حسینیون

در بخش سال‌های اولیه: تعیین هدف‌ها و طراحی ابزارهاست و به بررسی سال‌های رکود اقتصادی و تعیین سیاستگذاری‌های منطقه‌ای می‌پردازد. در تلاش‌های پس از جنگ (۱۹۵۱ - ۱۹۴۵): تعهد سیاسی به توسعه‌ی منطقه‌ای، اساس سیاستگذاری منطقه‌ای بریتانیا و شکل‌گیری اقدامات توسعه‌ی منطقه‌ای را بررسی می‌کند. سیاستگذاری منطقه‌ای بریتانیا در حال تعلیق (۱۹۶۰ - ۱۹۵۱): اقدامات دولت محافظه‌کار (۱۹۵۱) و بازبینی تمهیدات ارتقاء توسعه‌ی منطقه‌ای را در این زمان توضیح می‌دهد. اهداف متحرک، ابزار متحرک (۱۹۷۰ - ۱۹۶۰) درباره‌ی عناصر سیاستگذاری منطقه‌ای بریتانیا و تغییر آن پس از سال ۱۹۶۰ بحث می‌کند. ادامه‌ی دوران فراز و نشیب (۱۹۷۹ - ۱۹۷۰): اقدامات محافظه‌کاران در اعتراض به دیدگاه حزب کارگر را بررسی می‌کند. در بخش عقبگرد تاچر، بانوی انعطاف‌ناپذیر: تغییر موضع دولت تاچر را درباره‌ی سیاستگذاری منطقه‌ای مورد بحث قرار می‌دهد. پایان فصل نگاهی دیگر به سیاستگذاری منطقه‌ای بریتانیا: سیاستگذاری منطقه‌ای در بریتانیا را به «مردی با آپاندیسی دردمند» تشبیه کرده است.

فصل پنجم سیاستگذاری‌ها و طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی

با مشکل عظیمی در حمل‌ونقل و ارتباطات مواجه است. در بخش تورم به این مسئله اشاره دارد که عمر تورم به اندازه‌ی عمر کشور است و درباره‌ی انقلاب قیمت‌ها در قرن ۱۶ بحث می‌کند. در قطبش متداخل: تداخل جوامع، ساختارها، بخش‌ها و فضاها را بررسی می‌کند.

سیاستگذاری منطقه‌ای در برزیل سه وجه عمده دارد: ۱- بازگشایی محدوده‌های جدید؛ ۲- تهیه و تدارک زیربناها نه تنها بر این محدوده‌ها، بلکه برای نواحی مسکونی موجود؛ ۳- پخشایش توسعه‌ی جدید صنعتی به مناطق عقب افتاده. در نتیجه‌گیری به وجود تفاوت‌های منطقه‌ای می‌پردازد. یکی از اهداف سیاست ملی، کاهش فاصله میان مناطق است که در برزیل رفع تفاوت‌های منطقه‌ای از طریق تمرکززدایی شهری و صنعتی، بسیار مؤثر است. سیاست منطقه‌ای برزیل روی اقتصاد ملی تأثیر داشته و به نقاط قوت و نقاط ضعف آن اشاره می‌کند. در ارزیابی نهایی سیاست منطقه‌ای عامل برجسته‌ای در موفقیت است و عدم موفقیت از نتایج اولیه‌ی سیاست‌های اقتصاد کلان و بخشی محسوب می‌شود.

فصل نهم: پایان سخن، ترجمه‌ی کاظم احسن

در این فصل ابتدا درباره‌ی ظهور و سقوط سیاستگذاری منطقه‌ای بحث می‌کند و اینکه برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای در همه‌ی کشورهایی که به آنها اشاره شد، جز انگلستان از دهه‌ی شروع شده است و آنچه را که قبل از این تاریخ تحت عنوان برنامه‌ریزی منطقه‌ای شناخته می‌شود، توضیح می‌دهد. سیاست‌های منطقه‌ای این کشورها شباهت بسیاری با یکدیگر دارند و به ارزیابی سیاست‌های منطقه‌ای سال‌های ۶۰ می‌پردازد و عقب‌نشینی در دهه‌ی ۷۰ در کشورهای صنعتی در سیاستگذاری منطقه‌ای را بررسی می‌کند. همچنین به بررسی انگیزه‌ی سیاستگذاری منطقه‌ای می‌پردازد و اهداف زیر به آن نسبت داده می‌شود: پیشبرد عدالت اجتماعی به صورت ایجاد برابری بیشتر، کاستن از بیکاری در جاهایی که از این لحاظ وضع وخیمی دارند، از میان بردن فقر هر جا که پدیدار شده است، پیشبرد تعدیل ساختاری و تحقق کامل‌تر قابلیت‌های توسعه. در بخش بعدی سیاستگذاری منطقه‌ای و ساختار صنعتی مورد بررسی قرار گرفته است و آینده‌ی سیاستگذاری منطقه‌ای را ارزیابی می‌کند. در بخش پایانی با عنوان توسعه‌ی منطقه‌ای و دستگاه حکومت، سازمان حکومتی مناسبی که ملاحظات و دغدغه‌های مربوط به توسعه‌ی منطقه‌ای را در روند سیاستگذاری و تصمیم‌گیری دولتی گسترش دهد، ارزیابی می‌کند.

قرار داشت، می‌پردازد. توسعه‌ی منطقه‌ای را عامل ایجاد تفاوت‌های منطقه می‌داند. در بخش استقلال، تبدیل مالایا به مالزی، میراث سیاست استعماری انگلیس را برای این کشور بررسی می‌کند. سپس به پیدایش نابرابری‌های منطقه‌ای که الگوی توسعه‌ی منطقه‌ای عامل آن بود، می‌پردازد. علاوه بر آن جنبه‌های فضایی را در هم‌پوشی با سایر عوامل مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین به بررسی سیاستگذاری منطقه‌ای (۱۹۷۰ - ۱۹۸۸) می‌پردازد. سپس مثلث جنگکا را به عنوان یکی از اولین طرح‌های توسعه‌ی منطقه‌ای سبک جدید بررسی می‌کند. از سوی دیگر درباره‌ی طرح جوهر تنگ گارا و پهنک تنگ گارا ارزیابی‌هایی ارائه می‌کند.

در جای دیگر کسه‌دار (KESEDAR) را به عنوان نمونه‌ای از طرح‌های اسکان مجدد پیشین بررسی می‌کند.

سیاستگذاری منطقه‌ای و برنامه‌ی سوم مالزی را برای یکپارچه کردن برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ملی شرح می‌دهد. در بخش پایانی به بررسی نتایجی که سیاستگذاری منطقه‌ای برای مالزی داشت، می‌پردازد.

فصل هشتم: تفاوت‌های منطقه‌ای در یک کشور بزرگ در حال توسعه با درآمد بالا: برزیل ترجمه‌ی شریف مطوف

برزیل از نظر توسعه هم‌سطح با مالزی است، اما از نظر جمعیتی آن را «غول جنوب» نامیده‌اند و کشوری است به تازگی «اسکان یافته». الگوی توسعه‌ی منطقه‌ای، فراز و فرود را عامل شکست توسعه‌ی اقتصادی در برزیل می‌داند. صنعت شکر نخستین بخش رهبری کننده در برزیل است که می‌توانست به عنوان «قطعه‌ی کانوی رشد» برای دیگر مناطق کشور بکار گرفته شود و به بررسی آن می‌پردازد. دومین رونق، طلاست و آن را از زمان کشف ارزیابی می‌کند. قهوه را محصولی می‌داند که به خاطر نجات برزیل مطرح شد. فراز و فرودی را که درباره‌ی کائوچو اتفاق افتاد، از سایر محصولات شدیدتر می‌داند. هر کدام از این منابع رشد، دوره‌های محدودی از گسترش فعالیت را تجربه کردند که هر یک با رکود یا اضمحلال مواجه شده و تأثیر محدودی روی دیگر مناطق کشور داشته‌اند. همچنین به بررسی اثر پخش به عنوان عامل فزاینده‌ی توسعه و رشد می‌پردازد و به چند پارگی منطقه‌ای اشاره می‌کند. در بخش کمبود جمعیت و کمبود کارفرمایی درباره‌ی میزان جمعیت برزیل و تغییران آن طی سالیان بحث می‌کند و چگونگی تشدید تضاد بین بورژوازی صنعتی جدید و اشرافیت متمکن زمین‌دار را بررسی می‌کند. در قابلیت‌ها و محدودیت‌های توسعه، جمعیت اندک برزیل در مقایسه با منابع غنی این کشور، قابلیت‌های درخشانی برای توسعه فراهم می‌آورد، اما محدودیت‌هایی وجود داشت، مانند: مشکلات حمل‌ونقل و ارتباطات، تورم مزمن و مسئله‌ی قطبش متداخل.

در حمل‌ونقل و ارتباطات، محیط و نوع توسعه‌ی مرتبط بر آن، برزیل